

حکم قاطع اسلام؛ همه یکسان و برابرند!

خلاصه جلسه دوازدهم: توحید و نفی طبقات اجتماعی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوازدهمین جلسه از سلسله جلسات سخنرانی خود در مسجد امام حسن عسکری علاوه بر تعهد اول قطعنامه‌ی توحید که قائل به «عبدیت و اطاعت، منحصراً برای خدا» می‌باشد، به دومین تعهد این قطعنامه که «توحید و نفی طبقات اجتماعی» است، می‌پردازد.

ایشان جامعه توحیدی را اینگونه تعریف می‌کنند که «یک جامعه بی‌طبقه است؛ یک جامعه‌ای است که گروه‌های انسان‌ها در آن جامعه از یکدیگر بر حسب حقوق و مزايا جدا نشدنند. همه در یک مسیر و با یک نوع امکانات و با یک نوع حقوق زندگی می‌کنند و حرکت می‌کنند.» برخلاف آنچه که مادر تاریخ مشاهده می‌کنیم که «اختلاف طبقاتی از جمله‌ی دردهای مژمن تاریخ است.» سپس حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نفی اختلافات طبقاتی می‌پردازد و می‌فرمایند «توحید به معنای یک خدا قائل بودن، تدبیر و خلق و آفرینش و اداره‌ی جهان را از یک خدا دانستن و ضامن نفی طبقات اجتماعی» در جامعه است؛ زیرا که «خلق و معبد و مدبر امور همگان خدادست. این یک حرف اسلامی است و خالق همه یک نفر است... وقتی ما یک خدایی هستیم، معنایش این است که مردم جامعه همه یک صنفند، یک گروه‌اند، یک طبقه‌اند، برادر و درکنار همند... یعنی بندگان خداریک ترازنده، دردو ترازنیستند. از جمله معنای خدا یک است و دونیست، این است.»



جلسه ۱۲: توحید و نفی طبقات اجتماعی حکم قاطع اسلام؛ همه یکسان و برابرند!

آیات ۸۴ تا ۹۱ سوره‌ی مبارکه‌ی مومنون
آیه ۲۲ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره

آیات این جلسه

واژگان کلیدی

آیه

**قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ
كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ**

(مومنون/۸۴)

بگو: زمین و هر که در آن است از
آن کیست؟ اگر می‌دانید.

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

(مومنون/۸۵)

خواهند گفت از آن خدا. بگو پس
چرا به خود نمی‌آید؟

به مشرکینی که منطقه‌های نفوذ خدایان خودشان را تقسیم می‌کردند و مشخص می‌کردند، بگو زمین و هر چه در آن است متعلق به کیست؟ خب مشرکین مکه معتقد به الله بودند و بتها را شفیعانی که پیش الله آنها را شفاعت خواهند کرد، می‌دانستند.

**قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ
وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ**

(مومنون/۸۶)

بگو کیست مدبر هفت آسمان و
عرش بزرگ؟

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَقْوَنَ

(مومنون/۸۷)

خواهند گفت از آن خدا. بگو پس
چرا پردازی گیرید؟

قدرت و ملک پروردگار بر آسمان و زمین گستردۀ است ... بگو پس چرا پردازی کنید از این خدا؟ عملتان را و فکر تان را بطبق گفته‌ی او و فرمان او قرار نمی‌دهید؟

آن کسانی که قدرت‌های اختیارشان است، فوقش این است که بر ظاهریک جسمی مسلط باشد. شماکه مالک خانه‌ی خودتان هستید، یک آجر را از جایی به جایی می‌گذاری، تسلط همین اندازه است.

آن کسی که بر تمام ذرات اجزای این موجود مسلط است، حرکت اتم‌ها در اختیار او و به فرمان اوست، در گیاهان رشد و نمو، در حیوانات و انسان‌ها تمام حرکات داخلی وجود آنها و همه چیزشان خلاصه در قبضه‌ی قدرت اوست، او خداست.

علیرغم اوکسی پناه داده نمی‌شود... فرض کنید مسیحی‌ها معصیت خدا بکنند، به آغوش عیسی بگریزند و عیسی پناه بدهد به آنها، و در مقابل خدا از آنها حمایت کند، چنین چیزی ممکن نیست.

**قُلْ مَنِ يَتَّبِعُ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ
وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ
تَعْلَمُونَ**

(مومنون/۸۸)

بگو حکومت و سلطنت همه چیز به دست کیست و کیست آنکه پناه می‌دهد و در مقابل او کسی پناه داده نمی‌شود؟ اگر می‌دانید.

لطیف است که قرآن روی فریب خوردگی تکیه می‌کند؛ فریب خوردن، غافل ماندن. دائمًا می‌خواهد مردم غافل نمانند، فریب نخورند، چشمشان را بازکنند. قرآن مطمئن است که اگر مردم چشم را بازکنند، نظر او تامین می‌شود.

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُشَخِّرُونَ

(مومنون/۸۹)

خواهند گفت: به دست خدا است. بگو پس چگونه فریب داده می‌شوید؟

مطلوب را برایشان روشن کردیم، حق را در اختیارشان گذاشتیم، آنها با این وضعی که از لحاظ فکری و عملی پیش گرفتند، بهانه می‌تراشند، بهانه‌ی دروغ می‌تراشند.

بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ

(مومنون/۹۰)

بلکه ما حق را در اختیار آنان نهاده‌ایم و آنان حقاً دروغ گویند.

مَا أَتَحْدَدَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ
مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَدَهُبَ كُلُّ إِلَهٍ
بِمَا خَلَقَ وَ لَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى
بَعْضٍ شَيْخَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصْفُونَ

(مومنون/٩١)

بر طبق نظر توحید، آفرینش، یک قطعه‌ی متصل و منسجم واحد است. انسان و حیوان و کوه و فلك و زمین و موجودات، همه و همه با هم دیگر اتصال و ارتباط دارند، همه با هم وحدت دارند. اگر چندین خدا و معبد می‌بودند، هر الهی، هر معبدی، مخلوق و آفریده‌ی خود را به سویی می‌برد.

خدا فرزندی نگرفته و با او هیچ خداوندگاری نیست. اگر چنین بود هر خداوندگاری آفریده‌های خود را به سوئی می‌برد. و هر کدام بر دیگری برتری می‌گرفت. پاک و مبرا است خدا از آنچه توصیف می‌کنند

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اغْبُدُوا رِبَّكُمُ الَّذِي
خَلَقْتُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

(بقره/٢٧)

خطاب به کیست؟ خطاب به طبقه‌ی بالا و پائین نیست... خطاب به همه‌ی انسانیت است. این عبودیت، موجب تقواست. آنچه که حالت مصونیت از گناه را، در روح، در انسان، بوجود می‌آورد، عبودیت خداست. لذا در جامعه‌ای که همه‌ی مردم بندگی خدا هستند و جامعه شکل بندگی خدادار، در آن جامعه تقواه‌چه بخواهی فراوان است.

ای انسانها عبادت کنید پورودگاریتان را. آنکه آفرید شما را و همه گذشتگان‌تان را؛ شاید تقوا پیشه کنید.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ
السَّمَاءَ بِنَاءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ النَّمَرَاتِ رِزْقًا
لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ أَنْدَادًا وَ أَنْتُمْ
تَعْلَمُونَ

(بقرة/٢٢)

آنکه برای شما قوارداد زمین را گسترد و آسمان را بنایی برآفراشته و فرود آورد از آسمان آبی را، پس برون آورد به وسیله‌ی آن از محصولات روزی‌ای برای شما. پس برای خدا شریکان و رقیبان فرض مکنید در حالی که خودمی‌دانید.

با دو تا خدا قراردادن، با رقیب و هماورد برای خدا فرض کردن، انسان‌ها را به دو گروه و سه گروه و ده گروه تقسیم نکنید، همه یک گروهند.

همه یکسان و برابرند از لحاظ منشأ و ریشه آفرینش، این حکم قاطع اسلامی است در زمینه نفی طبقات اجتماعی؛ گرامی‌ترین شما نزد خدا، با تقواترین است. یعنی از یک طبقه‌ای بودن، وابسته به خانواده‌ای بودن، وابسته به یک سلسله و تیره‌ای بودن، موجب گرامی‌تر بودن نیست.

نکته جالب‌تر و باریک‌تر اینجاست؛ آنهای که با تقوا هستند، که بالاتر از دیگرانند، باز از امتیازات حقوقی بیشتری برخوردار نیستند. اینجور نیست که آدم‌های با تقوای یک پول بیشتری بگیرند، یک حقوق بیشتری داشته باشند یا از حقوق اجتماعی بیشتری و بهتری برخوردار باشند، نه، نه خیر؛ اینجور نیست... پیش خدا عزیزند. البته تقوامشایک آثار اجتماعی است تایک حدودی.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ
ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ
قَبَائِيلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ
اللَّهِ أَتَقَاءُكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَمِيرٌ

(حجرات/١٣)

ای انسانها ما شما را از مردی و زنی آفریدیم. و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. به یقین گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شما است. به یقین، خدا دانا و مطلع است.

وَ لَقَدْ كَرِمْنَا بَنِي آدَمَ وَ
حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ
وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ
فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمْنَ
خَلْقِنَا تَفْضِيلًا

(آل‌آل‌الله‌آمیر‌المؤمنین/۷۰)

به یقین که بنی آدم را گرامی و
عزیز داشتیم و آنان را در خشکی
و دریا برداشتیم و آنان را از
نیکویی‌ها بهره‌مند کردیم. و آنان
برتری دادیم

چه کسانی را تکریم کردیم؟ به چه کسانی طیبات
روزی دادیم؟... انسان‌ها را نه طبقه و تیره‌ی
خاصی.

بخشی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۵۳/۰۷/۰۸ در مسجد امام حسن عسکری مشهد:

در جامعه‌ی اسلامی، ذیل ظلّ مقررات اسلامی، این جور نیست که کسی برای درس
خواندن، برای کار کردن، برای چیز فهمیدن، برای پول درآوردن، برای کار گرفتن،
برای شاغل شدن، حتی تا بالاترین مقامات محتاج پارتی باشد.... همه می‌توانند در
جامعه‌ی اسلامی به عالی‌ترین مقامات برسند. خب، شما ببینید، بلال حبshi رسید
به مقام موذنی.

تأثیرات نگاه توحیدی در دل خویشتن!

خلاصه جلسه سیزدهم: تأثیرات روانی توحید

در آخرین جلسه توحید از سلسله جلسات ماه مبارک مسجد امام حسن مجتبی (ع)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص تاثیراتی که اعتقاد به توحید در روح انسان می‌گذارد سخن به میان می‌آورند؛ ایشان در ابتداد فایده این بحث را بیان می‌کنند؛ اولاً، «توحید را می‌شناسیم». ثانیاً «خودمان را می‌شناسیم که موحدیم یا موحد نیستیم. محکی است برای شناختن مایه‌ی توحید در دل خویشتن».

ایشان تأثیرات روانی توحید را در چند جمله خلاصه می‌کنند:
انسان موحد «دارای وسعت افق دید می‌شود. موحد از تنگ‌نظری‌ها، از کوتاه‌بینی‌ها، از نزدیک‌بینی‌ها آسوده و راحت است».

انسان موحد «می‌داند که فکر توحیدی به درازای عمر بشر دارای قلمرو است». «آدم موحد افق دیدش در مسائل مادی و نیازهای پست و حقیر خلاصه نمی‌شود، متوقف نمی‌گردد».

«آدم موحد در مقابل خود وقتی نگاه می‌کند، در کنار نیازهای مادی، ده‌ها نیاز، صدها نیاز از عظیم‌ترین و عزیزترین نیازهای انسان را می‌بیند. تمام ذهنی و فکری و حواسی، منحصر و متوقف نیست در نیازهای پست و حقیر کوچک، آنگونه که انسانهای در باطن مادی، اگرچه در ظاهر الهی، در ظاهر معنوی، خودشان را در آن محبوس و زندانی کرده‌اند».

«آدم موحد وقتی که نگاه می‌کند، آینده را در مقابل خود بی‌نهایت وسیع می‌بیند....

موحد برای دنیا آخری قائل نیست. برای خاطر اینکه آخر دنیا را متصل به آخرت می‌بیند.»

«از جمله تاثیرات توحید در روان یک موحد این است که ریشه ترس را در او می‌خشکاند.» ایشان در ادامه بیان می‌کنند که «ترس‌ها ریشه‌ی بد بختی‌ها در زندگی انسان‌هاست.» و سپس به ذکر شاهد مثال‌هایی در طول تاریخ می‌پردازند که ترس موجب رشد جنایت‌ها و فاجعه‌ها و جلوگیری از فضیلت‌ها شده است، در نهایت همین بحث را در آیات ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران بیان می‌کنند:

جلسه ۱۳: تاثیرات روانی توحید تاثیرات نگاه توحیدی در دل خویشن!				
آیات ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران		آیات این جلسه		
انسان موحد	و سعت نگاه	تاثیر روانی توحید	ترس	واژگان کلیدی
نکات کلیدی			آیه	
این آیه مربوط به جنگ احمد است، در جنگ احمد یک عده‌ای گریخته بودند و پیغمبر خدا اینها را صد ازده، عده‌ای می‌ترسیدند، نمی‌آمدند و عده‌ای با اینکه زخمی بودند، آمدند..... عده‌ای استجابت کردند و دعوت خدا و رسول را پذیرفتند و عده‌ای نپذیرفتند و گریختند. این آیه، پاداش و مزد آن عده‌ای را که نگریختند و پذیرفتند و اجابات کردند، بیان می‌کند.			الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَأَنْقُوا أَجْرًا عَظِيمًا <small>(آل عمران/۱۷۲-۱۷۵)</small>	
			آنانکه پس از برداشتن زخم (در میدان‌های جهاد) به ندای خدا و پیامبر پاسخ مثبت می‌گویند. برای گروهی از ایشان که نیکویی کرده و تقوا گزیده‌اند پاداشی بزرگ است.	

مومنی که پاداش و مزدش را ما در آیه‌ی قبل گفتیم، این جور مومنی است که وقتی خیرخواهان و مصلحت اندیشان به آنان گفتند [خلائق علیه شما گرد آمده‌اند، توطئه کرده‌اند] آنها در جواب چه گفتند؟ اولاً آیمانشان از این مطلب زیاد شد. از توطئه دشمن ایمان مومن زیادتر بشود، خیلی جالب است. اول آیمانشان زیاد شد، بعد گفتند: خدا ما را بس، و خوب و کیلیست خدا. خوب کسیست که می‌تواند انسان کارش را به او بدهد. خدا ما را بس است. یعنی چه خدا ما را بس است؟.... یعنی ولوبه کام دنیا نرسیم، خدا از ما راضی باشد، ما را بس.

**الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ
قَدْ جَمِعُوا لَكُمْ فَاخْشُوْهُمْ
فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ
وَنَعْمَ الْوَكِيلُ**

(آل عمران/۱۷۳)

آنها یکی که، افرادی به آنان گفتند: مردم بر ضد شما گرویده‌اند، بترسید! این گفته بر آیمانشان افزود و گفتند: خدام را بس است و او نیکو پشتیبان و کارگزاری است.

همین آدمها اولاً که جایگاهشان نعمت خدا شد، بدی و ناراحتی و گزند هم به اینها نرسید و خوشحال و مسرور شدند.... آنجا برگشتند به طرف نعمت خدا، نعمت بی‌زوال، فضل بی‌پایان، فضلی که هیچ‌گونه بدی در آن نیست، راحتی که هیچ شائبه‌ی ناراحتی و گزند در آن نیست. هیچ بدی به اینها نرسید.

**فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ
فَضْلِ لَمْ يَمْسِسْهُمْ سُوءٌ وَ
اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو
فَضْلٍ عَظِيمٍ**

(آل عمران/۱۷۴)

بر اثر این روحیه، به قلمروی از نعمت و فضل خدا در آمدند. و هیچ بدی (و نگرانی) به آنان نرسید و به پیروی از خشنودی خدا دل بستند. و خدا دارای فضل بزرگی است.

أَنَّمَا ذِلْكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوْفُ
أَفْلِياءً فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ
خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

(آل عمران/١٧٥)

جز این نیست که اینان همان شیطان‌اند که فقط دوستان و هم‌دستان خود را می‌ترسانند. پس از آنان نترسید (و به تهدید آنان وقوعی منهید) و از من بترسید (وبه فرمان من سرنهید) اگر مونم می‌باشد.

بخشی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۵۳/۰۷/۰۹ در مسجد امام حسن عسکری مشهد:

مهمنترین تاثیر روانی توحید در روح یک انسان این است که در راه خدا، در راه تکلیف، در راه آنچه که هدف وجود خود تشخیص می‌دهد، از دشمنان این راه نهاراً نمی‌گوییم ضعف اعصاب نداشته باشد، گاهی دلش هم اضطرابی پیدا نکند، نه؛ ترس فعال نداشته باشد، بیم فعال نداشته باشد. ترس و بیمی که او را از پیمودن راه خدا بازدارد، در وجود او نباشد. این ترس‌ها، این بیم‌ها، این هراس‌هایی که جلوگیر فضیلت‌هاست، زمینه‌ی بسیار خوب رشد نامردمی‌هاست، رشد جنایت‌ها و فاجعه‌هاست، این ترس‌ها و بیم‌ها را به یک کناری بیندازد.